خلقنهم وشددنا اسرهم واذا شئنا بدلنا
بیافریدیم ایشان را وسختی کردیم بندهای ایشان وچون خواهیم بدل کنیم
امثالهم تبديلا ان هذه تذكرة
مثلهای ایشان بدل کردنی بدرستیکه این است پندی
فمن شاء اتخذ الى ربه سبيلا وما تشاءون
پس هر که خواهد فرا گیرد بسوی پروردگار خود راه و خواهید شد
الا ان يشاء الله ان الله كان عليما حكيما
مگر آنکه خواهد خدای بدرستیکه خدای هست دانا و درست کار
يدخل من يشاء في رحمته والظالمين اعد
در آورد هر کرا خواهد در رحمت خود و ستمکاران را مهیا کرده است
لهم عذابا اليما
برای ایشان عذاب دردناک

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خدای بخشنده مهربان

والمرسلت عرفا فالعصفت عصفا
سوگند بفرستادگان فرستاده شده پیوسته پس سوگند بتندی تند وزنده
والناشرت نشرا فالفرقت فرقا فالملقيت
سوگند بپراکندگان پراکنده کردنی پس جدا کننده جدا کردنی پس بفرستادگان افکننده
ذكرا عذرا او نذرا انما توعدون
پندی برای عذر یا بیم کردن برای حق است که وعده داده شده
لواقع فاذا النجوم طمست واذا السماء
هر آینه واقع شدنی است پس آنگاه ستارگان کور کرده شوند و آنوقت که آسمان
فرجت واذا الجبال نسفت واذا الرسل
شکافته شود و آنگاه که کوهها بر افکنده شوند و آنگاه که پیغمبران
اقتت لاى يوم اجلت ليوم الفصل
جمع کرده شوند برای کدام روز بتاخیر افتاده شود برای روز فصل

وما ادريك ما يوم الفصل ويل يومئذ
و چه خبر دانا کرد ترا بحقیقت روز فصل وای باد آنروز
للمكذبين الم نهلك الاولين ثم
مر دروغ گویان را آیا هلاک نکردیم پیشینیان پس
نتبعهم الاخرين كذلك نفعل بالمجرمين
از پی در آریم ایشان را دیگران را مانند آنکه بکنیم بگنه کاران
ويل يومئذ للمكذبين الم نخلقكم من
وای باد آنروز مر دروغ گویان را آیا نیافریدیم شما را از
ماء مهين فجعلنه في قرار مكين الى
آبی خوار پس گردانیدیم آنرا در قرارگاه استوار تا
قدر معلوم فقدرنا فنعم القدرون
مقداری دانسته شده پس توانا کردیم پس نیکو توانایانیم
ويل يومئذ للمكذبين الم نجعل
وای باد آنروز مر دروغ گویان را آیا نگردانیدیم
الارض كفاتا احياء وامواتا وجعلنا
زمین را جمع کننده زندگان و مردگان و گردانیدیم
فيها رواسي شمخت واسقينكم ماء فراتا
در آن کوههای بلند و بیاشامانیدیم شما را آب شیرین
ويل يومئذ للمكذبين انطلقوا الى ما
وای باد آنروز مر دروغ گویان را برروید بسوی آنچه
كنتم به تكذبون انطلقوا الى ظل ذي
بودید بآن تکذیب میکنید برروید بسوی سایه که دارنده
ثلث شعب لا ظليل ولا يغني من اللهب
سه شاخ است سایه نیست و دفع نکند از حرارت روز
انها ترمي بشرر كالقصر كانه جمالت
بدرستیکه دوزخ افکند شررها مانند کوشک گویا آن شتران